

آنچه امروز از واقعه عاشورا بازخوانی می‌شود، حاصل تلاش‌های زنانی است که ذلت نپذیرفتند و روح آزادی و آزادگی قیام عاشورا را حفظ کردند و در تبیین و توییح هر آنچه خلاف آن است، سخن گفتند

سرنی در نینوامی ماند اگر زینب نبود

بررسی نقش حضرت زینب(س) در قیام عاشورا

مرضیه شعرباف

مدرس دانشگاه حوزه پژوهشگر

وقیام کنندگان به دیگران و بلکه سراسر دنیا و هدفش صبر زینب گونه بر مصیبت وارده و تبدیل تهدید به فرصت بوده است.

تربیت یافتگان مکتب زینب(س) آنچه باید می‌آموختند را از ایفای نقش ایشان در دو ماه بعد از واقعه عاشورا آموخته‌اند. آموزشی که به لحاظ کمی اگرچه کوتاه است، چنان باکیفیت و پرمغز است که توانسته در طول ۱۴ قرن روشن‌کننده مسیر دلدادگان باشد و طی قرن‌ها، هنوز حرکت حضرت، راهنمای زنان و مردانی است که قدم در مسیر حق می‌گذارند.

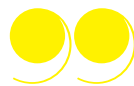
وقایع پس از عاشورا نشان از اهمیت نقش همه مسلمانان در حفظ و حراست از دین دارد. زن و مرد به یک اندازه موظف به ایفای نقش هستند و در صورت تشخیص صحیح و بموقع، می‌توانند گامی مؤثر در انجام رسالت دینی خود بردارند. از کاروان کربلا به جز امام سجاد(ع) که در بستر بیماری بودند، مرد دیگری زنده نماند و همه بار تکمیل رسالت را زنان و بویژه عقیده بنی‌هاشم به دوش کشید، ولی چنان با اراده و مصمم و چنان آگاه و مسلط این کار را انجام داد که حقیقت دین در اعصار و قرون گم نشد و گرد فراموشی بر اصل واقعه ننشست.

سال‌های دفاع مقدس، آینه‌ای بود که بخوبی نشان داد زنان درس خود را بخوبی آموخته‌اند و زینب‌های هر صحنه نبردی، پیام‌رسان واقعیت آن نبرد هستند و با صبوری که ریشه در ایمان آن‌ها دارد مکمل نقش همسران و پدران خود در میدان جنگ هستند. زنانی که پس از هر خبر شهادت با صلابتی مثال‌زدنی شهید خود را به اسلام تقدیم کردند و نهال انقلاب را آبیاری. و این صبر و مجاهدت زینب گونه، لحظه به لحظه در تمام زندگی مجاهدان راه حق ساری و جاری است. تشخیص آگاهانه، عمل بموقع، دفاع از حریم دین، صبر بر مصیبت در راه حق، غفلت نوزیدن از ارتباط و اتصال با خداوند، همه و همه، درس‌هایی است که از حرکت انقلابی زینب(س) به شاگردان مکتبش به یادگار مانده است.

از جمله وقایع پررنگ قیام امام حسین(ع) نقشی است که حضرت زینب(س) از عصر عاشورا به عنوان پیام‌رسان این واقعه ایفا نمودند. در واقع رساندن دلیل قیام امام(ع) و روند اتفاقاتی که در نهایت منجر به شهادت امام، یاران و خانواده‌شان شد، مسأله‌ای بود که اگر ایشان در باب آن روشن‌گری نمی‌کردند، در همان صحرائی کربلا به دست فراموشی سپرده می‌شد. تنبیهی که سخنان و خطبه‌های ایشان به مردم کوفه داد و نشان دادن چهره واقعی اسرا که در شام اتفاق افتاد، کار ویژه ایشان در روزهای پس از شهادت امام بود.

ما در صفحات تاریخ پس از عاشورا و بازگشت اسرا از کوفه و شام به مدینه، اخبار خاصی از حضرت زینب(س) نداریم، کما اینکه پیش از قیام کربلا نیز، غیر از اینکه ایشان معلم تفسیر قرآن برای زنان مدینه بودند، خبر ویژه‌ای در دسترس نیست. با این حال اتفاقی که باید می‌افتاد، در زمان درست و به صحیح‌ترین شیوه توسط ایشان رقم خورد و این دقیقاً نکته‌ای است که قابلیت الگوگیری از حضرت زینب را دوچندان می‌کند. شخصیتی چنان با صلابت که بتواند با وجود آن همه داغ و درد و مصیبت، کاروان اسرا را هدایت کند، از جان امام سجاد(ع) حفاظت نماید و کوبنده و با صلابت شهر به شهر و مجلس به مجلس از جنایت اتفاق افتاده پرده بردارد و چهره حقیقی سفاکان کوفی و شامی را نشان دهد، شخصیتی است قوام یافته، متصل به سرچشمه معنویت و آگاه از زمان.

از عاشورای ۶۱ هجری تاکنون، هرکجا در جوامع اسلامی ظلمی اتفاق افتاده و بانگ اعتراض بلند شده، تحریف و بدعتی اتفاق افتاده و فریاد و اسلاما برخاسته، زینبی به تاسی از پیام‌آور کربلا، کنار قیام کنندگان بوده است. زنان در طول تاریخ خود را در متن وقایع جایابی کرده‌اند. خود را زینبی دیده‌اند که رسالتش مخیره هدف شهدا



خوانشی زنانه از روح عاشورا

نقد و بررسی برنامه «علامت» شبکه دوسیمیا

فاطمه امی

خبرنگار حوزه زنان و خانواده

آزادگی تا زینب کبری(س) که طلایه‌دار زنده نگه داشتن پیام و رسالت امام بود، در خلال گفت‌وگوهای این برنامه پرداخته شد.

بحث آزادی با صیغه مؤنث در سیر صحبت‌های محسن قنبریان در دهه محرم به اینجا می‌رسد که عصیان زن علیه شرایط و وظایف طبیعی‌اش اگر برای خدا باشد موجب تمجید خواهد شد و برای نمونه عینی آن نیز می‌توان از زن خولی نام برد. تفاوت آزادی در اسلام با تعبیر غربی از آزادی نیز یکی از مسائل مبنایی است که در قسمت پنجم برنامه به آن پرداخته می‌شود. در واقع فرق میان آزادی بر اساس میل و آزادی بر اساس ارزش‌های عقلانی و غایی. در گفت‌وگو با محسن قنبریان به موضوع مسئولیتی که آزادی به همراه خود دارد نیز پرداخته می‌شود. اهمیت این مسأله جایی مشخص می‌شود که در تعاریفی که از آزادی به گوشمان خورده، مسئولیت اجتماعی رابطه‌ای با مفهوم آزادی ندارد. در واقع آزادی‌ای که تعهد به هیچ چیز ندارد و همان بی‌قیدی است، به نام آزادی معرفی می‌شود. در واقع عاشورا مسئولیت اجتماعی زنان بنی‌هاشم در قبال حسین بن علی به کثرت دیده می‌شود. زنانی که همراه کاروان می‌شوند و در نهایت فرزندان و همسران خود را فدای این مسئولیت، که برای رسیدن به آزادگی تقبل کرده‌اند، می‌کنند. «آزادی» پرتکرارترین واژه برنامه علامت است که بطور کامل در هشت قسمت چهل دقیقه‌ای حلاجی می‌شود و از تمام ابعاد بررسی می‌شود. هدف از آن نیز تبیین آزادی و آزادگی اصیل اسلامی و ارزش‌های هم‌جهت با آن در مقابل آنچه از آزادی و اسلام به صورت تحریف شده و در اختیار جامعه قرار می‌گیرد، می‌باشد و این همان ذات و عصاره قیام ابا عبدالله است و مهم‌ترین نقش زنان حاضر در واقعه عاشورا حفظ و گسترش همین پیام بود. پیامی که محرم امسال و در این برنامه بطور منسجم به آن پرداخته شد. خصوصاً اینکه زنان به‌عنوان عنصر فعال جامعه و تأثیر عمیق آنها برای اولین بار بررسی شد. فصل سوم این برنامه به تهیه‌کنندگی سید مجید اکرمی و کارگردانی مصطفی الوان روی آنتن رفت و نمونه‌ای از تبیین وقایع مذهبی بود.

محرم امسال شبکه دوسیمیا میزبان فصل سوم برنامه علامت بود. برنامه‌ای که در هشت روز ابتدایی ماه محرم، نقش زنان را در واقعه کربلا بررسی کرد. به عبارت دیگر در گفت‌وگو با کارشناس برنامه، حجت‌الاسلام قنبریان، خوانشی زنانه از قیام عاشورا ارائه داده شد. موضوع این سلسله برنامه حول محور شعار عاشورا یعنی آزادی بود. آزادی که توسط زنان حاضر یا غایب در حماسه حسینی تبیین شد. زنان در این واقعه هر کدام وظیفه‌ای بر دوش داشتند؛ از زمینه‌سازی تا مبارزه و گسترش پیام اصلی این پدیده عظیم. در واقع آنچه امروز از واقعه عاشورا بازخوانی می‌شود حاصل تلاش‌های زنانی است که ذلت نپذیرفتند و روح آزادی و آزادگی قیام عاشورا را حفظ کردند و در تبیین و توییح هر آنچه خلاف آن است، سخن گفتند. هر قسمت از این برنامه با ضمائم عربی نام‌گذاری شد و داستان شخصیت‌ها و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آنها را بازگو می‌کرد. بطور مثال نام قسمت دوم از «علامت»، سعدی دختر عبدالرحمن عوف و عایشه دختر طلحه از کاخ‌نشینان و این دو نمونه مثال زنانی هستند که مرزهای اخلاقی را درمی‌نوردند و در کنار آن با طاغوت زمان خود می‌سازند اما از قدرت عصیان خود علیه یزیدیان استفاده نمی‌کنند. بازگویی ماجرای این زنان حاوی پیام قدرت و لزوم دخالت آنها در مسائل مهم حکومت است. گفت‌وگو به زنان بی‌انتخاب و حزب‌باد می‌رسد. زنانی مانند اکثر زنان کوفه که در مقدرات مهم جامعه دخالت نمی‌کنند و همچنین زنانی با انتخاب بد یا انتخاب‌های چوخته و تحت تأثیر تبلیغات مخرب علیه ابا عبدالله و در مقابل آن از زنانی با انتخاب برتر یاد می‌شود که آزادی و آزادگی خود را، به تبیین کارشناس برنامه، خرج انتخاب درست و حسینی شدن کردند.

بنابراین از طیف مختلف زنان، از زنان غایب و خلاف جهت



حجاب از ایران تا غرب

بررسی دو کتاب مسأله حجاب در غرب و در جمهوری اسلامی

فریده افشار

فعال حوزه زنان و خانواده

علت عقب‌ماندگی ملل اسلامی نسبت به غرب ریشه در کم‌کاری و ضعف برنامه‌ریزی و مدیریت آن‌هاست نه التزام آن‌ها به حجاب!

خلاصه کلام آن که هم ریشه توسعه را باید در امری غیر از بدحجابی یعنی تلاش و مدیریت و برنامه‌ریزی جست‌وجو نمود و هم ریشه عقب‌ماندگی برخی ملل مسلمان را در امری چون کم‌کاری و بی‌برنامگی و فقدان نظم، نه حجاب و پوشش؛ زیرا هیچ دستاورد و محصول علمی ناشی از بی‌بندوباری و لاقیدی نبوده و نخواهد بود.

در انتها نیز باید گفته شود که اگر اسلام قائل به خانه‌نشینی زن و جلوگیری از حضور و فعالیت وی و جلوگیری از تعامل زن با هر فردی جز اهل خانه و محارم اوست، بحث از حد پوشش و تدقیق در ظرایف تعامل با نامحرم امری لغو و بی‌فایده می‌شود و در عمل بستری برای تحقق نخواهد داشت. بنابراین وجود احکامی همچون حجاب، برخلاف تصور خیلی از افراد نشان‌دهنده تأیید حضور اجتماعی زنان است و فقط برای آن حدودی به نفع زنان، خانواده و کل جامعه بشری قائل شده است.

و میانی حجاب و پوشش، حجاب در ادیان، آیین‌ها و ملل، ضرورت‌های حجاب و علل بدحجابی در ایران پرداخته شده و راهکارهایی برای حل مشکل بدحجابی نیز ارائه شده است.

همچنین نکته قابل توجه در این کتاب پاسخ علمی و صحیح به شبهات مطرح شده، نظیر عدم برخورد با بدحجابی در صدر اسلام، فردی بودن حجاب و تعلق آن به حریم خصوصی، معنای عدم آکره در دین، حجاب عامل التهاب بیشتر جامعه، حجاب مانع آزادی و مانع فعالیت زن و همچنین ریشه توسعه یا عقب‌ماندگی جوامع و شبهاتی از این دست است؛ چرا که پاسخ‌های غیرعلمی و ناصحیح به این شبهات در سالیان اخیر آسیب‌های اجتماعی بزرگی را موجب شده است.

علی غلامی در این کتاب علت و ریشه توسعه جوامع غربی را نیز به‌طور واضح اعلام کرده است؛ او این گونه بیان کرده که اولاً ریشه توسعه در غرب از یکسو تلاش و فعالیت و برنامه‌ریزی خود مردمان غرب خصوصاً در قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم است و از سوی دیگر ریشه در استعمار مادی و معنوی شرق توسط غرب دارد. ثانیاً

کشور بزرگ آن زمان اروپا، یعنی ایتالیا، فرانسه، انگلیس و آلمان به تفصیل توضیح داده شده است که به لحاظ فهم دقیق تغییر و تحولات واقع شده طی قرون متمادی در حوزه حجاب در اروپا و پی‌بردن به سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی قدرت‌های بزرگ در راستای منافع خاص سیاسی، فرهنگی، اقتصادی خود در این حوزه بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که در نظر کارشناسان امر، تغییرها در حوزه لباس و پوشش در اروپا، از بعد از نیمه دوم قرن بیست، نه یک پروسه بلکه یک پروژه بوده است.

در کتاب مسأله حجاب در غرب به دلایل رویگردانی و مخالفت با حجاب در غرب نیز پرداخته شده است و از آنجایی که بررسی مباحث مربوط به زنان در هر کدام از زمینه‌های آن در جهان غرب بدون توجه به جنبش فمینیسم امکان ندارد، در این کتاب به نخله‌های معروف فمینیستی و نقش آنها در حجاب‌گریزی زن‌ها نیز پرداخته شده است.

در انتهای کتاب نیز به دلایل اقبال به حجاب در غرب در سه ساخت شناختی، گزایشی و رفتاری پرداخته شده است. در کتاب مسأله حجاب در جمهوری اسلامی نیز به جایگاه



از عاشورای ۶۱ هجری تاکنون، هرکجا در جوامع اسلامی ظلمی اتفاق افتاده و بانگ اعتراض بلند شده، تحریف و بدعتی اتفاق افتاده و فریاد و اسلاما برخاسته، زینبی به تاسی از پیام‌آور کربلا، کنار قیام کنندگان بوده است



در نظر کارشناسان امر، تغییرات در حوزه لباس و پوشش در اروپا از بعد از نیمه دوم قرن بیست، نه یک پروسه بلکه یک پروژه بوده است